

دو اجازه حکیم متآله سید ناصر الدین حجت نجف آبادی (م ۱۳۶۰)

به کوشش: محمد جواد نور محمدی



درآمد

آنچه در این مقال و مجال به محضر اهل تحقیق تقدیم می گردد، دو اجازه از فقیه و حکیم والاتباء آیه الله سید ناصر الدین حجت نجف آبادی رحمته الله است که تاکنون منتشر نشده و در میان اوراق کتابخانه آیه الله حجت به دست آمده است. البته باید با کمال تأسف بیان کرد که شخصیت این فقیه مکتب اصفهان در حالی که از بزرگان علمی عصر خویش بوده و آثار قلمی چندی داشته و دواثر نیز از ایشان چاپ شده، همچنان گمنام مانده و غبار بی مهری بر تارک آن نشسته است.

این دو اجازه یکی از فقیه و اصولی ارجمند آیه الله سید محمد مدرس موسوی نجف آبادی به مرحوم حجت است و دیگری از مرحوم آیه الله ملا محمد حسین فشارکی به ایشان. در ابتدای این مقال اشارتی به حیات آیه الله حجت نجف آبادی و اشارتی کوتاه تر به حیات دو شیخ اجازه اوسید محمد مدرس نجف آبادی و ملا محمد حسین فشارکی می کنیم و سپس متن اجازات را می آوریم.

نگاهه به زندگه آیه الله سید ناصر الدین حجت نجف آبادی حکیم متآله آیه الله حاج سید ناصر الدین حجت حسینی نجف آبادی از شخصیت های بلند منزلت نجف آباد است. آن بزرگ در سیزدهم رجب ۱۲۹۷ قمری مطابق با ۱۲۵۷ شمسی پا به عرصه خاک نهاد.^۱

پدرش سید هاشم حجت حسینی نجف آبادی نیز از عالمان گمنام حوزه اصفهان است که در تذکره ها نامی از او برده نشده و از هفت اثر او نیز - جز اندکی - نه چیزی چاپ و نه گزارشی تهیه شده است. وی از ارادتمندان و به گمان قوی از شاگردان سید اسد الله بید آبادی فرزند سید شفتی بوده و در پی درخواست آصف الدوله از سید اسد الله بید آبادی شفتی به امر استادش به اشترجان رفته و عهده دار بیان مسائل دینی مردم آن منطقه بوده است.

از ایشان آثار الاصفی در تفسیر سورة جمعه، تحفة الشریعة للوصول الی الوسيلة در تفسیر سورة

۱. دیوان قدریه، آیه الله سید ناصر الدین حجت نجف آبادی، ص ۲۴.

حدید و ہدیۃ الملوک در تفسیر سورۃ الرحمن باقی مانده و نیز اعلام الفقہاء، کنز العرفان فی تفسیر القرآن، کنز المعارف و مجمع الحجج در فقہ از ایشان شمرده شدہ و اثری از آنہا در دست نیست. وی در دوم جمادی الاولی ۱۳۱۱ بدرود حیات گفتہ است.^۲

آیۃ اللہ حجت پس از رشد و شکوفایی وارد حوزہ تحصیل علوم و معارف اسلامی گردید. پدر اولین استاد زندگی او بود.^۳ پس از مدتی وارد حوزہ اصفہان گردید و در آن بہ درس آقا سید محمد باقر درجہ ای و آخوند کاشی حاضر شد و از خرمن پرفیض آنان بہرہ برد.^۴

پس از آن بہ قم و مشهد مهاجرت کرد و در ہر یک از این دو شہر مدتی ماند و از سرآمدان آن حوزہ ہا بہرہ برد. وی پس از آن راہی حوزہ بزرگ فقاہت شیعہ، نجف اشرف گردید و بہ تحصیل و تکمیل مراتب علمی و معنوی پرداخت. و آن طور کہ شنیدہ ام بہ محضر علامہ قاضی نیز راہ یافتہ است^۵ کہ البتہ نہ در جایی ذکر شدہ و نہ مقدار آن را می دانیم.

تالیفات: از آیۃ اللہ سید ناصرالدین حجت چند تالیف سودمند بہ یادگار مانده است کہ در اینجا بہ ذکر آن می پردازیم:

۱. دیوان اشعار کہ از آن با عنوان «نفحات روح القدس» نیز یاد کردہ اند؛

۲. المحجة البالغة في تنبيه القلوب الزائفة؛ در ردّ بہائیت و در پاسخ بہ نامہ نبیل زادہ بہائی.

۳. رسالہ ای در عدم انفعال ماء قليل؛

۲. میراث حوزہ اصفہان، دفتر یازدہم، ص ۲۳-۲۸.

۳. دیوان قدریہ، ص ۲۴.

۴. تاریخ حکما و عرفای متأخر بر صدر المتألمین، ص ۸۲.

۵. مصاحبہ با سید محمد علی حجت نجف آبادی در تابستان ۱۳۹۲، بہ نقل از حجت الاسلام حاج شیخ غلامحسین منصور از علمای مورد وثوق نجف آباد.

۴. تفسیر سورہ والتین؛

۵. صراط مستقیم در ردّ بہائیت؛

از دور سالہ اخیر اطلاعی دریافت نکردہ ام و نسخہ ای از آنہا نیز در دست نیست.

۶. مجالس منبری؛

رحلت: آیۃ اللہ حاج سید ناصرالدین حجت نجف آبادی در ۶۳ سالگی در ہفدہم ربیع الاول ہزار و سیصد و شصت قمری سرای غرور را رہا کرد و بہ دیار باقی شتافت و در قبرستان شش جویہ نجف آباد بہ خاک سپردہ شد.

آیۃ اللہ سید محمد موسوی مدرس نجف آبادی؛

آیۃ اللہ سید محمد مدرس فرزند سید محمد حسین حسینی موسوی نجف آبادی بہ سال ۱۲۹۴ قمری در شہر نجف آباد تولد یافت و پس از رشد و رسیدن بہ مراحل تحصیل در نجف آباد و سپس اصفہان آموختن علوم اسلامی را آغاز کرد و مقدمات و نیز دروس سطح حوزہ علمیہ را در این دو شہر فرا گرفت.

پس از آن در ہجده سالگی بہ نجف اشرف ہجرت و در درس خارج اعلام نجف شرکت کرد. از جملہ استادانی کہ ایشان در اصفہان و نجف اشرف بہ محضرشان شرفیاب گردیدہ است، می توان بہ آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، حاج آقا رضا ہمدانی صاحب مصباح الفقیہ، آیۃ اللہ سید محمد فشارکی، آیۃ اللہ سید اسماعیل صدر، آیۃ اللہ ملا فتح اللہ نمازی اصفہانی معروف بہ شیخ الشریعہ اصفہانی، میرزا بدیع درب امامی، جہانگیر خان قشقایی، آیۃ اللہ سید مہدی درجہ ای و حاج میرزا محمد تقی شیرازی اشارہ کرد.

آیۃ اللہ سید محمد بہ سال ۱۳۲۷ قمری پس از استفادہ از استادان حوزہ نجف و نائل شدن بہ مقام اجتہاد و کسب اجازہ اجتہاد از عالمان بزرگ آن حوزہ بہ اصفہان بازگشت و



تا آخر عمر در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ و جدّه بزرگ و مدرسه ملا عبدالله به درس و بحث و تدریس و اقامه جماعت و مرجعیت و پاسخگویی به سؤالات شرعی اشتغال داشت.^۶ محمد شریف رازی صاحب گنجینه دانشمندان درباره مقام علمی وی گوید:

در فن اصول و تدریس کفایه مرحوم خراسانی مهارت و تبحر کم نظیری داشت و بسیاری از دانشمندان و فقهای معاصر که در اصفهان و مناطق مجاور آن به مقام علمی شهرت دارند از محضرشان کسب علم و کمال کرده اند.^۷ آیه الله مدرس شاگردان ارزشمندی تربیت کرد و مجلس درس وی بهترین فضایی حوزه اصفهان را در خود جای داده بود. عده زیادی از محضرش استفاده کرده اند که در اینجا به نام برخی از آنان اشاره می شود:

آیه الله حاج شیخ عباسعلی ادیب؛ آیه الله مشکوة، آیه الله شیخ مرتضی اردکانی^۸، آقا سید ابوطالب دهکردی^۹، آقا سید کاظم موسوی گلپایگانی^{۱۰}، آقا محمد یزدانی اردکانی^{۱۱}، آقا میرزا محمد علی فرهنگ^{۱۲}، آیه الله میر سید علی فانی^{۱۳}، حاج شیخ مرتضی عماد الاسلام نجفی^{۱۴}، آیه الله حاج شیخ مجد الدین نجفی، آیه الله سید مرتضی موحد ابطی، شیخ محمد علی عالم حبیب آبادی، شیخ علی فقیه فریدنی، شهید محراب عطاء الله اشرفی اصفهانی، حاج میرزا علی آقا

۶. تذکرة القبور، با تعلیقات به همت سید مصلح الدین مهدوی، ص ۴۸۱.

۷. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۷، ص ۳۱۱.

۸. آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، ص ۲۷.

۹. آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، ص ۳۳۹ - ۳۴۰.

۱۰. آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، ص ۲۲۳.

۱۱. آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، ص ۳۰.

۱۲. آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، ص ۳۰.

۱۳. آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، ص ۳۰.

۱۴. رجال اصفهان، دکتر محمد باقر کتابی، ج ۱، ص ۲۱۱.

شیرازی، شیخ علی مشکاة سدهی، شیخ علی محمد اژه ای. از آن جناب آثار درخور توجهی بر جای مانده است که در اینجا به آن اشاره می شود:

۱. حاشیه بر کفایة الاصول، در دو جلد؛

۲. رساله ای در دلیل انسداد؛

۳. تقریرات مباحث فقهی و اصولی استادان خود؛^{۱۵}

۴. تقریرات درس خارج فقه و اصول، به قلم شاگرد ایشان آیه الله آقا شیخ مرتضی اردکانی.^{۱۶}

آیه الله سید محمد مدرس موسوی در شب بیست و پنجم ذی قعدة سال ۱۳۵۸ ق به جوار رحمت حق رهسپار شد و در تکیه سید العراقین تخت پولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

آخوند ملا محمد حسین فشرکی
علامه فقیه و مجتهد اصولی، آخوند ملا محمد حسین فشرکی فرزند محمد جعفر از اعظام و اکابر رؤسای دین، در نیمه روز ۳۰ ذی قعدة الحرام ۱۲۶۶ در اصفهان متولد شد. او از اجله فقههای زمان و مدرّسین بزرگ اصفهان بود که در بین عموم معاصرین به کثرت علم و زهد مشهور بود. او در اصفهان از محضر آیات عظام: حاج شیخ محمد باقر نجفی، ملا محمد باقر فشرکی (برادر خود) و میرزا محمد هاشم چهارسوقی و در نجف از درس میرزا حبیب الله رشتی و به خصوص از درس شیخ زین العابدین مازندرانی استفاده نمود و به مراتب عالی علم و فقاهاست دست یافت و به اخذ اجازه از استادان خویش نائل آمد.

پس از مراجعت به اصفهان، ابتدا در محله خواجوسکونت کرده و پس از وفات پدر زنش آیت الله میرزا حسن بن میرزا

۱۵. سیری در تاریخ تخت پولاد اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، ص

۱۴۶.

۱۶. آینه دانشوران، ص ۲۷.

الغزالیامین من آل طه ویس، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

وبعد، فات الفقهاء عليہ السلام عمد الدين، وحملة شريعة سيد المرسلين، وأمناء رب العالمين: ومن من الله العظام إنه لم تنزل بلاد الإسلام متبركة بالفقهاء الكرام، الذين هم ثواب الإمام، وممن من الله تعالى عليه وعلى سائر العباد، وسلك سبيل الاجتهاد، والحري بأن يرجع إليه العباد، العالم الفاضل الفهامة، والعامل الكامل العلامة، والنحرير الجامع الفهامة، جامع العلوم العقلية والتقليدية، وحاوي مباني الأصول والفروع الفقهية، الجامع للفضائل، والفائق على الأقران والأماثل، ذوالفكر النقاد والطبع الوقاد، نخبه الفقهاء الراشدين، السيد ناصر الدين النجف آبادي الإصفهاني (أدام الله إفضاله) فإنه سلمه الله تعالى قد صرف برهته من عمره الشريف في تحصيل القواعد الشرعية، واستنباط الأحكام المهمة الفقهية، فوجدته بالغاً درجة الاستنباط، وبلغ بجده وجهده بمرتبة الاجتهاد، وحصل له القوة القدسية، والملكمة القدوسية، لاستنباط الأحكام الشرعية الفرعية، عن أدلتها التفصيلية.

فليشكر الله تعالى على هذه النعمة العظمى، والموهبة الكبرى، وله العمل بما يستنبطه من الأحكام على النهج المعروف بين العلماء العاملين الأعلام، والفقهاء الراشدين الكرام الفخام، والتصدّي للأمر الحسبي وحفظ أموال الغيب ونصب الولي للصغار والأيتام، ولسائر الوظائف التي أمرها بيد الحكام.

وأرجو أن ينتفع بوجوده الشريف الخواص والعوام، وقد استجاز متي رواية كتب الأخبار، فأجزت له أن يروي عني كلّ ما صحّت لي روايته ودرايته من كتب الأخبار، ومؤلفات العلماء الأبرار، ولا سيما الكتب الأربعة القديمة التي عليها المدار، من سالف الأعصار، والكتب الثلاثة

ابراهيم عراقي به محلّه نیم آورد، نقل مکان نمود و در مسجد اسلام به امامت جماعت پرداخت.

ایشان از مدرّسین بزرگ اصفهان بود و جمعی کثیر از فیض درس او بهره مند بودند. در اواخر عمر، مرجعیت تامّه یافته و رئیس مطلق علمای اصفهان گردید و فصل خصومات و مراجعات بدو مرجوع می شد. مرحوم جابری او را چنین وصف کرده است:

فقيه بارع وعالم متورّع، ودر این اواخر حوزه درسش مشحون از طلبّاء، وبه جلوگیری از منہیات، تعلقی بی حساب داشت، اما روزگار بر مراد آن بزرگ، دوره خود را نمی گذاشت. حواشی زیادی بر کتب علمیّه و رسائل عملیه نوشته و رساله عملیه ای نیز جهت مقلدین مرقوم داشته است. آن جناب در شب سه شنبه هشتم ذی قعدة ۱۳۵۳ قمری در اصفهان وفات یافته و در بقعه تکیه آقا شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.^{۱۷}

متن اجازة آية الله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل العلماء ورثة الأنبياء، وفضل مدادهم على دماء الشهداء، وأفرش لهم أجنحة ملائكة السماء، وجعلهم ورثة الأنبياء والأوصياء، والصلاة والسلام على خازن علم الله ومعدن حكمته وحامل سرّه، صاحب الشرع المتين، وهادي الناس إلى صراطه المستقيم المستبين، المبعوث على كافة الخلق أجمعين، وخاتم الأنبياء والمرسلين، محمد المصطفى النبي الأمين، وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين، ولا سيما ابن عمّه ووصيه ووزيره أمير المؤمنين، وإمام المتّقين، ويعسوب الدين، وقائد

۱۷. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۳۷؛ تاریخ اصفهان، میرزا حسن خان جابری، ص ۳۳۸.

الحديث التي هي في الاشتهار كالنار على المنار، والشمس في رابعة النهار: الوافي، والوسائل وبحار الأنوار، عن غير واحد من مشايخي باسانيدهم المتصلة إلى العلماء المصنفين، ثم إلى المعصومين الأطيبين الأكرمين، صلوات الله عليهم أجمعين.

ثم إن وصيتي إلى جناب المستجير (أدام الله أيام إفاضاته) أن يأخذ بمجامع الاحتياط الذي هو طريق النجاة في جميع أمور دينه ودنياه، وأن يواظب على الرياضات الشرعية، والمجاهدات المرضية، والعبادات الحسنة المرعية، وأن يكون أكثرهم في التصنيف والتأليف، ومراجعة كتب الفقه والتفسير والحديث وتعليم الخواص وإرشاد العوام، والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، وإحياء قواعد الدين وستة سيد النبيين، وأن لا ينساني من الدعاء في مظان إجابة الدعوات، وعقيب الفرائض والصلوات، وأسأل الله لي وله التوفيق لما وفق له محمد وآله، صلوات الله عليهم أجمعين، وكان التحرير لذلك في ليلة الخامس من ذيقعدة ١٣٤٧.

حرره الأحقر محمد الموسوي النجف آبادي المدرّس

متن اجازة آية الله فشار كـ

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا يخفى على أولى الرشاد من العباد، أن من أعظم مواهب الله سبحانه على الأنام، وجود العلماء الأعلام والفقهاء البررة الكرام، في زمن غيبة الإمام عليه السلام؛ إذ لولاهم لاختل النظام واضمحلت الأحكام؛ فاتّ بيدهم أزمة الأمور ومن بركات أنفاسهم يسهل كلّ معسور، وهم الأدلاء على الخلق إلى الله وهم يتمّ الحجة البالغة الإلهية وبهم قوام الدين، ويميّز الحق عن الباطل، ويعرف الأحكام، ويحلّ المسائل، ويعلم الجاهل، وينبّه الغافل.

وما أجل شأنهم وأعظم قدرهم، فاهتداء نفس واحدة لهم خير مما تطلع عليه الشمس ومنزلة العالم الناطق بأحكام الله كمنزلة النبي إلى أدنى أقمته وتعليم الجاهل صدقة، ومذاكرة العلم ساعة خير من عبادة سنة قيام ليلها [و] صيام نهارها^{١٨}. وما أهدى أحد بهدية هي أطيب من كلمة نصيحة تردّه هدى، أو تردّه عن ردى.

ومن فاز وحاز واحتوى السعادات، وأدرك هذه الدرجات، ونال بهذه الفضائل جناب العالم العامل، والفاضل الصالح، والبالذل مساعيه في أيام ماضيه، في تكميل المطالب العلمية والمحاسن العملية، الوفي الصفي البهي آقا ناصر (نصره الله في الدين والدنيا).

فإنّ هذا السيد السند، والخبر المعتمد، والمهذب المؤتمن قد جدّ واجتهد... في تحصيل الحظ الأوفر من العلم والعمل، وبالغ فيما هو المراد، وقرع باب الاجتهاد، وفتح له الباب، واقتدر على الاستنباط في شطرواسع من الأحكام المستندة إلى الأدلة الباهرة من الكتاب والسنة.

فإنّه من المجاهدين المجتهدين، ذو الفهم العالي، والذهن السليم والفكر الصافي، وبلغ مرتبة الاجتهاد، فعليه الشكر والسعي في العلى، والوصول إلى الأقصى، وليحذر المسامحة فإنّه التعرّب بعد الهجرة، فساعة يتكئ العالم على فراشه وينظر في كتاب علمه خير له من عبادة العابد في سبعين سنة^{١٩}.

فله فضائل يرغب إليها العاقل، المرتبة العلمية الكاملة البالغة إلى مرتبة الاجتهاد، فهو من العلماء والمجتهدين مرتبة وإمامة الجماعة في مسجد مستقلّ نجف آباد التي هي بلدة الأقربة ودلالة العباد بالمسجد [ظ]، ونقل الأحاديث

١٨. جامع الأخبار، الشعيري، ص ٣٨.

١٩. اقتباس از حديثي از پیامبر اکرم ﷺ، رک: الصراط المستقيم إلى

مستحقّ التقديم، ج ٣، ص ٥٣.

لإرشاد الأنام على وجه التيمّن وهو يليق بالتميز بين الصحيح والسقيم بل يليق بالدرك والإفادة والاستفادة والتنظرفيه. «فخبرٌ تدرّيه خيرٌ من ألف ترويه»^{٢٠}.

قال عليه السلام: «أنتم أفقه الناس إذا عرفتم معاني كلامنا»^{٢١} وقال عليه السلام: «ورب حامل فقه إلى من هو أفقه منه»^{٢٢}.

والفضيلة الأخرى تصدّي الأمور الشرعية، وإدارة العباد على الصراط المستقيم والنهج القويم، والفضيلة الفائقة اندارجه في حملة الرواة ومحبي الآثار وحفاظ السنّة والكتاب، فأني أجزته أن يروي عني كل ماصحت لي روايته، وحسنت درايته، من كتب المحدثين، ومجامع العلماء البارزين، من المتقدمين والمتأخرين، بطرق المتصلة إلى الأئمة الطاهرين، صلوات الله عليهم أجمعين.

فليشكر الله بهذه الفضائل، ومن أعظم الشكر أن لا يتسامح في وظائفه، من طرد المبدعين وإغفال شياطين الإنس للمؤمنين، بتحريراته وتقريراته، وبمجالسه ومحافله وبمنبره ومحرابه، بنفسه وبأنصاره. قال عزّ من قائل مخاطباً لرسوله: «حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^{٢٣} فليجمع ولتجمع أهالي الإيمان من نجف آباد وغيره لدفع الضالين المضلين والفسقة والخائنين، ولا يسامح في هداية العباد، وتعليم الأحكام.

وأوصيه بالشدة، وهو - بحمد الله - من أهل بيت العترة النيرة، فواسواته من ضعف الإيمان؛ فإن الرسول الأكرم صلّى الله عليه وآله قال: «كسر ظهري صنفان: عالمٌ متهتك، وجاهلٌ متنسك»^{٢٤} وكثير من المسامحات تهتك يا إخواني الذين آمنوا كما قال الله الحكيم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا»^{٢٥} فإنه عمل بالإيمان وعزّي الإسلام ولا حول ولا قوة إلا بالله ولا مجال لبسط التحرير في كتب طرق وسلسلي إلى الأئمة صلوات الله عليهم الدائمة، إلا أنه يسهل تناولها من محالها. ثم يا أخي أوصيك بالتقوى والاحتياط ما استطعت المنجيان من الهلكات، وأن لا تنساني من الدعوات في مظانّ الإجابات.

٩ ذي القعدة ١٤٧٠ هـ

[مهر] حسين الفشاركي *

٢٠. منية المرید، ص ٣٧٠.

٢١. معانی الأخبار، ص ١.

٢٢. کافی، ج ٢، ص ٣٣٦.

٢٣. انفال (٨): ٦٤.

٢٤. غرر الحكم، ص ٦٩٦، باندي اختلاف.

٢٥. نساء (٤): ١٣٦.

* شایان ذکر است که اجازه آن جناب در مواردی ناخوانا بود و برخی جاها قیاساً تصحیح شد و در مواردی با تمام سعی مراد ایشان معلوم نشد.

۱. میراث حوزه اصفهان، دفتر یازدهم، به اهتمام محمد جواد نور محمدی، سید محمود نریمانی، اول، زمستان ۱۳۹۳، اصفهان.
۲. تاریخ حکما و عرفای متأخر بر صدر المتألهین، دکتر منوچهر صدوق «سها»، اول، ۱۳۵۹، انجمن حکمت و فلسفه ایران، تهران.
۳. تذکرة القبور با تعلیقات، به همت سید مصلح الدین مهدوی.
۴. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۷، چاپ ۱۳۵۴، تهران.
۵. آیینۀ دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، با تعلیقات ناصر باقری بیدهندی، چاپ کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
۶. رجال اصفهان، دکتر محمد باقر کتابی، ج ۱، انتشارات گلها.
۷. قبیلۀ عالمان دین، شیخ هادی نجفی، اول، چاپ عسکریه، ۱۴۲۳.
۸. سیری در تاریخ تخت پولاد اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی.
۹. مدرس فضیلت، یادمان عروج ملکوتی آیه الله سید محمد مدرس نجف آبادی، رحیم قاسمی، دیماه ۱۳۸۷ ش، شهرداری اصفهان و مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد.
۱۰. دانشمندان و بزرگان اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، تحقیق رحیم قاسمی و محمد رضا نیلفروشان، ج ۱، نشر گلدسته، اول، ۱۳۸۴ ش، اصفهان.
۱۱. تاریخ اصفهان، میرزا حسن خان جابری، تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری (سروشیار)، نشر مشعل، اول، ۱۳۷۸، اصفهان.
۱۲. منیة المرید، شهید ثانی، تصحیح و تحقیق: رضا مختاری، مکتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق، قم.
۱۳. معانی الأخبار، محمد بن علی بن بابویه قمی، تصحیح و تحقیق: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق، قم.
۱۴. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح و تحقیق: دارالحديث (۱۵ ج)، ۱۴۲۹ ق، قم.
۱۵. غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصحیح و تحقیق: سید مهدی رجایی، ۱۴۱۰ ق، قم.

اجازة آية الله مدرس نجف آبادی

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي جعل العلماء ورثة الانبياء
 وفضل مدارهم على دماء الشهداء
 وافرش لهم اجمة ملكة السماء
 جعلهم ورثة الانبياء والارباب في الصلوة
 والسلم على خاندان علم الله ومعدن حكمة
 وحاصل سره صاحب الشريعة المتعبد
 هادى الناس الى صراط المستقيم المبين
 المعجزة على كافة الخلق احب الي وخاتم
 الانبياء والمرسلين محمد المصطفى النبي
 الامين وعلى آله الطيبين الطاهرين
 المعصومين المنتجبين والاسماء البقية

وغيره

العباد والائمة المحسنة الموعودة وان يكون
 اكثرهم في الضيعة والارباب في اجمة
 الفقه والتفسير والحديث وتعليم
 الحق امر وارشاد العوام والارباب في
 النهج عن المنكر واحيا قاعد الدين في
 النبيين وان لا ينسأ في من الدعاء فمظان
 اجابة الدعوات وعقيب الفرائض والصلوات
 استل الله له والارباب فيقوما وفي له محمد
 والصلوات الله عليهم اجمعين والارباب في
 التمرين لذلك في ليلة الخامس من ذي القعدة
 حرمه الحق محمد المودع المحمد المدرس



اجازہ آیۃ اللہ فشارکی

[illegible]